

بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب نوع جرم زنان در شهر اصفهان

احمد شاهبوندی^۱

رضا ریسی وائانی^۲

مرضیه سلطانی^۳

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۱/۲

تاریخ وصول: ۸۹/۶/۱۸

چکیده

زنان نیمی از جمعیت هر جامعه را تشکیل می‌دهند پرداختن به مسائل و مشکلات آنها بسیار ضروری می‌باشد. یکی از معضله‌های عمده کشورهای در حال توسعه از جمله ایران عدم توجه به علل وقوع جرم زنان و عوامل مؤثر بر ارتکاب نوع جرم آنها است. هدف از این پژوهش، مطالعه جرم و عوامل اثرگذار بر ارتکاب جرم در بین زنان زندانی شهر اصفهان بوده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان زندانی بوده‌اند که در سال ۱۳۸۸ به دلیل ارتکاب جرم در زندان مرکزی شهر اصفهان به سر می‌برده‌اند. جامعه نمونه تعداد ۱۲۰ نفر بوده و اطلاعات از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردید.

نتایج نشان می‌دهد که بیشترین نوع جرم به ترتیب مربوط به، قاچاق مواد مخدر، سرقت و قتل می‌باشد، بیشتر مجرمین در دامنه سنی ۳۶-۱۵ ساله واقع شده‌اند (۴۷/۵ درصد) متأهل می‌باشند. از نظر سطح تحصیلات، درصد زیادی از آنها دارای تحصیلات راهنمایی بوده‌اند. رابطه بین متغیرهای مستقل (فقر، بیکاری، خصومت شخصی و گرفتن انتقام، کمبود محبت و عدم توجه خانواده‌ها) با متغیر وابسته (نوع جرم) به صورت معنی‌دار می‌باشد و همچنین بین متغیرهای مستقل (دوستان ناباب، و نبود پلیس در محل وقوع جرم) با متغیر وابسته رابطه معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: جرم، مجرم، زنان مجرم، شهر اصفهان، زندان.

۱- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه اصفهان

۲- عضو هیئت علمی پژوهشی سازمان تحقیقات و مطالعات نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

۳- کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری و کارشناس برنامه ریزی استانداری چهارمحال و بختیاری



طرح مسئله

یکی از موضوع‌های مهم اجتماعی که قرن‌ها مورد بحث و تحقیق اندیشمندان است، موقعیت اجتماعی زنان در جامعه می‌باشد. زنان چه از نظر همکاری و اشتراک مساعی که در امور اجتماعی با مردان دارند و چه از نظر شخصی، جسمانی و روانی از مردان متمایزاند لذا افکار و عواطف و تمایلات آنان با مردان فرق می‌کند (خاکپور، ۱۳۵۲: ۷۲). زنان نیمی از جمعیت جامعه و همه جوامع جهانی را تشکیل می‌دهند و این حقیقت آماری در واقع و در عمل، آن چنان که باید در تمام زمینه‌های حیات اجتماعی تعمیم داده نشده است. نکته مهم در اینجاست که سهم آنها در آسیب‌های اجتماعی کاملاً برعکس برخورداری آنها از سایر جنبه‌های انسانی است. به عبارتی زنان نخستین قربانیان بسیاری از انحرافات و جرائم اجتماعی‌اند (نجاری، ۱۳۸۶: ۴۵۸).

آمارهای موجود نشان می‌دهند که شیوع جرم زنان در بسیاری از کشورها در حال افزایش است و همگام با آن پدیده زنان زندانی رو به توسعه گذاشته است. متأسفانه کشور ایران نیز از این رویداد بی‌نصیب نمانده و سالانه هزاران زن به علل مختلف وارد زندان‌های کشور می‌شوند (بشری اولاد و دیگران: ۱۳۸۶، ۳۰۵). براساس آمار سازمان زندان‌های استان اصفهان، تعداد مجرمین و زندانیان زن این شهر سال به سال افزایش چشمگیری داشته‌اند و نظام قضایی و به طور کلی بخش عمومی جامعه مجبوراند بودجه و هزینه‌های کلان، نیرو و زمان بسیاری را صرف کشف جرائم، دستگیری مجرمین، رسیدگی‌های قضایی، نگهداری و مجازات آنها نمایند. به خاطر عدم مطالعه محتوای (شناسایی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم) و تأکید بر روی جنبه‌های ظاهری (دستگیری و مجازات بزهکاران)، باعث شده است تا عملکرد نظام قضایی و انتظامی علی‌رغم توسعه دایره فعالیت نیروهای انتظامی و افزایش دادگاه‌ها و تعداد قضات در سطح شهر اصفهان در کاهش نرخ جرائم و توسعه عدل و داد در جامعه ناکارآمد و کم‌فایده به نظر برسد.

با توجه به نقشی که زنان در تربیت افراد جامعه دارند و همچنین ویژگی‌های زیستی و روانی که در بین آنها وجود دارد، نوع جرم و میزان آسیب‌پذیری آنها در مقایسه با مردان متمایز می‌باشد. به همین سبب ضرورت مطالعه و پژوهش بیشتر در برابر جرائم و آسیب‌های



اجتماعی زنان را می‌طلبد. به این دلیل بررسی و شناخت فردی، نوع جرم و عوامل اثرگذار بر جرم زنان که در این پژوهش ارائه شده بسیار ضروری می‌باشد و با این شناخت تا حدود زیادی مسئولین اجتماعی و امنیتی را در تصمیم‌گیری و برخورد مناسب با جرائم زنان یاری خواهد نمود.

هدف اساسی از انجام این پژوهشی شناخت عوامل مؤثر بر ارتکاب نوع جرم زنان در بین زندانیان زن شهر اصفهان می‌باشد، علاوه بر هدف یاد شده به دنبال شناخت ویژگی‌های فردی مانند سن، وضعیت تأهل، سطح سواد مجرمین و همچنین نحوه توزیع فضایی این جرائم در مناطق ۱۳ گانه شهر اصفهان می‌باشد تا از این طریق عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم زنان از دیدگاه زنان مجرم شناسایی و راهکارهای مقابله با آنها نیز ارائه شود.

مبانی نظری تحقیق

جرم و عوامل جرم‌زا

از دیدگاه حقوقی «نقض قانون هر کشوری در اثر عمل خارجی در صورتی که انجام وظیفه با اعمال حقی آن را تجویز نماید و مستوجب مجازات هم باشد جرم نامیده می‌شود». بعضی دیگر نیز هر فعل یا ترک فعلی را که نظم، صلح و آرامش اجتماعی را مختل نماید و قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد جرم نامیده‌اند (اقتصادیان، ۱۳۸۳: ۴). اکثر متخصصان معتقدند که تعامل میان عوامل زیستی، روانی و اجتماعی، پایه خشونت و جرم را می‌سازند (السان، ۱۳۸۵: ۱۴۳).

«دورکیم»، علت همه رفتارهای غیرعادی را در محیط اجتماعی جست‌جو می‌کند و در نهایت اعتقاد دارد که جرم یک پدیده طبیعی-اجتماعی است. وی معتقد است که همه جوامع دارای جرائم مختلفی هستند و این امر ناشی از کارکرد ساخت‌های خود جامعه است ولی هنگامی که جرائم از یک نسبت معین تجاوز می‌کنند، می‌توان گفت که بیماری اجتماعی پدید آمده و آن وقت پدیده مربوط را می‌توان «غیرعادی» تلقی کرد. این امر به این معنی است که چنین جامعه‌ای دیگر نمی‌تواند برخی از افراد خود را طبق معیارهای موجود بار آورد و موقعیت‌های آنها را به حد معقول ارتقا دهد (مساواتی آذر، ۱۳۷۴: ۱۷).



در غالب شهرهای جهان، جرائم معمول، تهدیدی جدی برای حیات، تمامیت فردی و دارایی‌های انسان‌ها است. وقوع بیش از حد این جرائم در محیط‌های شهری نه فقط با اصول مسلم نظام اجتماعی تعارض دارد، بلکه همراه خود ضایعات سنگین، سختی و رنج انسان‌ها، به هدر رفتن منابع اقتصادی، سرخوردگی شهروندان و وخامت کلی در کیفیت زندگی را به ارمغان می‌آورد (بیانلو و منصوریان، ۱۳۸۵: ۳۰). عوامل جرم‌زا متعددند، عوامل جرم‌زای داخلی و خارجی، در بین عوامل داخلی، می‌توان به عوامل فردی مانند: جنس، سن، وضعیت فیزیکی و ژنتیکی و عوامل روانی مانند: حساسیت، ترس، کم‌هوشی، پرخاش‌گری، حقارت، مشکل‌های روانی اشاره کرد. همچنین عوامل جرم‌زای خارجی شامل: عوامل محیطی مانند اوضاع جغرافیایی، سرما، گرما، رطوبت، ارتفاع از سطح دریا و عوامل اجتماعی مانند: فقر، ثروت، خانواده، فرهنگ، مهاجرت، جمعیت، اشتغال، بیکاری و وسایل ارتباط جمعی است (کلدی، ۱۳۸۴: ۵۸).

جامعه‌شناسان ثابت کرده‌اند که خطوط اصلی منش و طبیعت فرد را محیط‌های اجتماعی تعیین می‌کند. یعنی ارگانسیم انسانی هر چه باشد در دست توانای جامعه می‌گردد و مطابق الزام‌های محیط اجتماعی تشخیص پیدا می‌کند. جامعه به قدری نیرومند است که می‌تواند از امکانات یک ارگانسیم ضعیف و ناتوان حداکثر بهره‌برداری کند و شخصیت توانایی بسازد و یا اینکه ارگانسیم نیرومندی را به صورتی درآورد که با گوشه‌گیری و ریاضت و کشتن نفس امکانات عظیم طبیعی خود را عاطل و باطل گذارد و حتی با خودکشی به حیاتش خاتمه دهد (مساواتی آذر، ۱۳۷۴: ۱۶).

«ساترلند» نظریه پرداز جرم‌شناسی در امریکا معتقد است که اگر فردی در محیط مجاور خود در معرض عوامل جرم‌زا قرار گیرد شانس و احتمال قانون شکنی اش افزایش می‌یابد. وی نسبت جرائم مردان به زنان را بستگی به میزان آزادی آنان، و آزادی سیاسی اجتماعی و برابری برای هر دو جنس به مقیاس مساوی می‌داند و معتقد است که این مقایسه در کشورهای اروپای غربی، استرالیا و امریکا، زیاد و در کشورهای که زنان سخت تحت کنترل مردان هستند همانند ژاپن و الجزایر، کم است (خاکپور، ۱۳۵۲: ۷۸). جرم

1. Edwin suther.nd.



دارای انواعی است مثل: جرم جانی یا جرم توأم با خشونت مانند قتل، جرم مالی مانند سرقت، جرم بدون قربانی مانند ولگردی و جرم ناشی از شغل مانند سوء استفاده از مقام و اختلاس و جرم سازمان یافته و نیز جرم یقه سفیدها^۱ قابل ذکر است (کلدی، ۱۳۸۳: ۵۸).

زنان و جرم

غالباً ادعا می شود که جرم های زنان بازتابی از جایگاهشان در اجتماع است به طور کلی وضعیت اجتماعی و اقتصادی رابطه نزدیکی با میزان و نوع جرم زنان دارد و نتایج نشان می دهد بیشتر مجرمین زن با اقتصاد ناسالم و مساکن غیررسمی در ارتباط می باشند (برگدن^۲، ۱۹۹۷: ۵). در ادبیات عامه و با توجه به گزارش های رسانه ای، جرم های که زنان مرتکب آنها شده اند و از آنجایی که این جرم ها خشونت های زیادی را به همراه داشته اند این نظریه را مطرح می کند که جنس مؤنث به سمت «جهان خشونت که متعلق به مردان است» گام بر می دارد (فورد^۳، ۱۹۹۸: ۱۳).

یکی از خصوصیت های زنان در مقابل مردان ترس بیشتر زنان در قبال جرم مرتکب شده می باشد به طوری که «استانکو^۴ معتقد است که به طور ثابت ترس از جرم در زنان سه برابر مردان است دلایل این امر عبارت اند:

- ۱- زنان به لحاظ جسمانی توان کمتری در دفاع از خود دارند؛
- ۲- در زنان گرایش فزاینده ای برای به یاد آوردن تجارب اولیه زندگی و تسری ترسشان به سایر موقعیت های زندگی وجود دارد؛
- ۳- نگهداری و محافظت از کودکان، زنان را بیشتر مستعد ترس از جرم می سازد؛
- ۴- زنان کنترل کمتری به حیطة خصوصیت های خود دارند، از این رو بیشتر می ترسند؛
- ۵- زنان نسبت به سایر انواع آسیب ها، بیشتر در معرض تعرض جنسی قرار دارند از این رو به خطرهایی که با آن مواجه می شوند عکس العمل واقع گرایانه ای نشان می دهند؛

1. White Collar Crime
2. Brogden
3. Ford
4. E.Stanko



۶- زنان همواره با ترس از دنیای بیرون، جامعه پذیر می‌شوند؛

۷- سطح ترس زنان معقول است ولی مردان تمایل دارند ترس‌های خود را طبیعی جلوه دهند (علیخواه، ۱۳۸۵:۱۱۱)؛

از ویژگی‌های دیگر زنان مجرم اعتراف زودتر آنها بر جرم مرتکب شده می‌باشد. اگر زنان در ارتکاب جرم نسبتاً ناموفق‌تراند و زودتر گرفتار قانون می‌شوند به این دلیل است که آنها در پیگیری عقلایی جرم تک‌محور (خود رأی) هستند و کمتر به سازمان‌ها و ارتباطات اجتماعی که آنها را قادر می‌سازد تا جرم را مطمئن‌تر و سودمندتر دنبال کنند، دستیابی دارند (برگدن، ۱۹۹۷:۴).

مروری بر دیدگاهها

دیدگاه «پیناتل^۱» در مورد علل جرائم زنان

پیناتل عقیده دارد که چون توانایی جسمی زنان کمتر از مردان است، بنابراین جنایت‌کاری زنان مخصوصاً در مورد جرائمی که قدرت و توانایی بدنی را ایجاب می‌کند کمتر از مردها است. علاوه بر این بزه‌کاری زنان در مراحل مختلف تغییرهای فیزیولوژیک مثلاً سن بلوغ، قاعدگی و رشد و نمو و پایان فعالیت جنسی آنها، اهمیت خاصی پیدا می‌کند (مساواتی آذر، ۱۳۷۴:۴۲) و این دیدگاه با نظریه «لمبروزو» و «فررو^۲» مطابقت و هم‌خوانی دارد. از دیگر نظریه پردازان جرم‌شناسی^۳ لمبروزو و فررو می‌باشند که در سال ۱۸۹۴ به ارائه نظریه تعیین عوامل بیولوژیکی مؤثر بر جرم‌خیزی افراد مؤنث پرداخته، آنها ۸۰ زن مجرم که مرتکب به جرم عدم توجه به قانون و اغتشاشات خیابانی دستگیر شده بودند را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان می‌داد که از بین آنها تعداد ۷۱ نفر در دوران قاعدگی بسر می‌برده‌اند. این پژوهش بدون تردید بیان‌کننده دیدگاه «کرافت» - «ابنگز^۴» (جنسیت‌شناس مشهور) می‌باشد که می‌گوید دادگاهها و مراکز کیفری بایستی نسبت به زنانی که مشکلات قاعدگی

1. Single - mindedness
2. pinatel
3. Lombroso and Ferrero
4. Modern Criminology
5. Krafft - Ebbingz



شان پیچیده است «به گونه‌ای که تأثیرهای عاطفی آن خارج از کنترل آنهاست» توجهی خاص قائل شوند (استیل^۱، ۱۹۹۱:۳).

دیدگاه «لئوته^۲» در مورد علل جرائم زنان

به نظر لئوته، از هم پاشیدگی خانواده‌ها در اشخاصی که واجد خصوصیات مثل: ۱- در شخصیت آن افراد، استعداد جنائی و آثار خرده فرهنگ جرم‌زا وجود داشته باشد؛ ۲- این افراد از عوامل گوناگون ثمربخش خانوادگی که آنان را در مسیر فضائل و خصوصیت‌های اخلاقی سوق دهد و از منهیات و انحرافات باز دارد محروم مانده باشد را جرم‌زا دانسته است (کی‌نیا، ۱۳۶۴:۷۹۷).

دیدگاه «ریگ^۳» در مورد علل جرائم زنان

در تحقیقی که توسط ریگ انجام شده ضعف رابطه پدر را عامل اصلی جرم زنان دانسته است و با توجه به مطالعات مقایسه‌ای که بین یک گروه از زنان بزهدار و زنان غیر بزهدار انجام داد به این نتیجه رسید: ۱- دختران مجرم پدران خود را به عنوان پدری می‌شناسند که در دوستی با آنها کوتاهی کرده‌اند؛ ۲- دختران مجرم کمتر از افراد غیرمجرم از راهنمایی والدین برخوردار شده و خود والدین نیز برای دختران سرمشق‌های بدی بوده‌اند؛ ۳- دختران مجرم در مقایسه با دختران غیرمجرم، جدایی پدرانشان را بیشتر تحمل کرده و تعداد زیادی از آنها مخصوصاً در اوایل سال‌های بلوغ از داشتن پدر محروم بوده‌اند (مساواتی آذر، ۱۳۷۴:۱۳۸).

دیدگاه «دوهرتی^۴»

یکی دیگر از عوامل جرم‌زای زنان، رانده شدن به زور و یا فرار آنها از خانه‌های خود می‌باشد که پس از خروج از منزل به محیط‌های نامناسب و کمپ‌ها رجوع می‌کنند که در اختیار افراد بی‌بندوبار اجتماعی و یاغی قرار می‌گیرند که افراد بی‌بندوبار آنها را به عنوان

1. Eastel
2. Leote
3. Rige
4. Doherty



همسر اختیار می‌کنند. و آنها را به اجبار وامی‌دارند که حکم همسری با آنان را امضاء نمایند و همچنین در برخی از موارد زنان مجرمی که گرفتار قانون می‌شوند توسط نیروهای امنیتی و مسئولان زندان‌ها آنها را برای ارتباط جنسی انتخاب می‌نمایند و گفته می‌شود در هر دو صورت زن فراری و یا مجرم حق انتخابی ندارد و در صورت امتناع از دستور آنها مورد تنبیه قرار می‌گیرد و پس از آن است که زنان آمادگی لازم را برای هر نوع جرمی را در خود پیدا می‌کنند (دوهرتی^۱، ۲۰۰۹:۴).

عوامل بازدارنده جرم زنان

در زمینه کنترل جرائم برخی از دانشمندان تغییر در زندگی زنان را پیشنهاد نموده‌اند مواردی چون آزادی بیشتر و افزایش استرس باعث شده است که تغییر معناداری در تمایلات یا فرصت‌های زنان به سمت ارتکاب جرم‌های خشونت‌آمیز ایجاد گردد (می‌یر و دیگران^۲، ۲۰۰۶:۷۳:۷۳).

در ادبیات جلوگیری از جرم چهار عامل اصلی در پیشگیری از جرم مؤثر می‌باشند که

عبارت‌اند:

۱- موقعیت مکانی و ویژگی‌های محیطی: بر اساس نتایج حاصل از مطالعات وقوع جرم به وضوح پیداست که جرم و مکان با همدیگر مرتبط می‌باشند. (روبرتسون و جوهانسون^۳، ۲۰۰۱:۵). به طور کلی، تمامی ناهنجاری‌ها و مفاسد اجتماعی یا هر رفتار انسانی که مخالف نظم عمومی و ارزش‌های جامعه باشد، به هر نحو که از انسان سر بزند، دارای بستر زمانی و مکانی است. این ویژگی موجب می‌شود تا بزه‌کاری جنبه جغرافیایی پیدا نماید. بزه‌کار، بزه دیده، رفتار مجرمانه و ظرف مکانی و زمانی آن، هر بزه را از دیگر رفتارها متمایز می‌کند. مهمتر این که تفاوت در شرایط مکانی و خصوصیت‌های رفتاری و در کنار عامل زمان، توزیع فضایی نابرابری جرائم را در پی دارد. همین امر موجب می‌شود تا در واحد مکان، ناهنجاری‌های اجتماعی به طور یکسان پراکنده نباشند (کلانتری و

-
1. Doherty
 2. meier et al
 3. Robertson and Johanson



صفری، ۱۳۸۷: ۳۴). همچنین تحلیل تراکم جرم توجه ما را به مناطقی با مدیریت مشخص در یک محدوده جغرافیایی معطوف می‌کند. جهت پیشگیری از جرم به صورت مؤثر لازم است که استراتژی‌های مداخله جویانه در راستای جرم و ویژگی‌های مکانی جرم باشد (کلارک^۱، ۱۹۹۷: ۱۳) بنابراین استفاده از روشنایی و دوربین‌های مخفی در فضاها و نظارت بیشتر در مکان‌های جرم‌خیز مانند: هتل‌ها و کلوپ‌های شبانه و طراحی مناسب فضاها و سالم سازی آنها بسیار تأکید شده است؛

۲- ویژگی‌های اجتماعی: این دیدگاه مقولات گسترده تری را در بر می‌گیرد که می‌خواهد مقررات اجتماعی را به عنوان مهمترین عامل اصلی در ارتکاب جرم معرفی نماید. این نظریه به دنبال تحقق عدالت اجتماعی در جامعه است و گروه‌های که ناهنجاری‌های زیادی را مرتکب می‌شوند از جامع ترد و به حاشیه می‌رانند و به حقوق زنان در جامعه بسیار تأکید می‌کند (ادوارد^۲، ۲۰۰۲: ۳). از مهمترین عوامل اجتماعی بازدارنده ناهنجاری و جرم عبارت‌اند از: پیوندهای اجتماعی موجه (پیوندهای خانوادگی) که شامل چهار گروه: الف) علاقه به دیگران؛ ب) تعهد به خانواده، شغل و دوستان؛ ج) مشغولیت و مشارکت مداوم در فعالیت‌های زندگی؛ د) اعتقاد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی جامعه. گسست و ضعف در هر یک از این پیوندها، باعث بروز رفتارهای ناهنجار و انحرافی در فرد می‌شود (فرهمند، ۱۳۸۷: ۱۵۱)؛

۳- وضعیت اقتصادی: اقتصاد عامل اصلی توسعه یافتگی محسوب می‌شود؛ سیاست گذاری‌های اقتصادی بایستی به گونه‌ای باشد که یک نوع توازن و انسجام اقتصادی را در کشور به وجود آورد (ضرابی و شاه‌یوندی، ۱۳۸۹: ۲۳) در بسیاری از موارد وضعیت اقتصادی را زیربنای توسعه می‌دانسته‌اند، حداقل در زمان آدام اسمیت، تصور توسعه (نه خود اصطلاح توسعه) ارتباط نزدیکی با تصور رشد اقتصادی داشته است. در واقع برخی اوقات منظور از توسعه همان رشد اقتصادی بوده است (لفت و بیچ، ۱۳۸۵: ۵۳). در این دیدگاه یکی از عوامل عمده و تأثیرگذار در ارتکاب جرم زنان و مردان را وضعیت

1. Clarke
2. Edwards

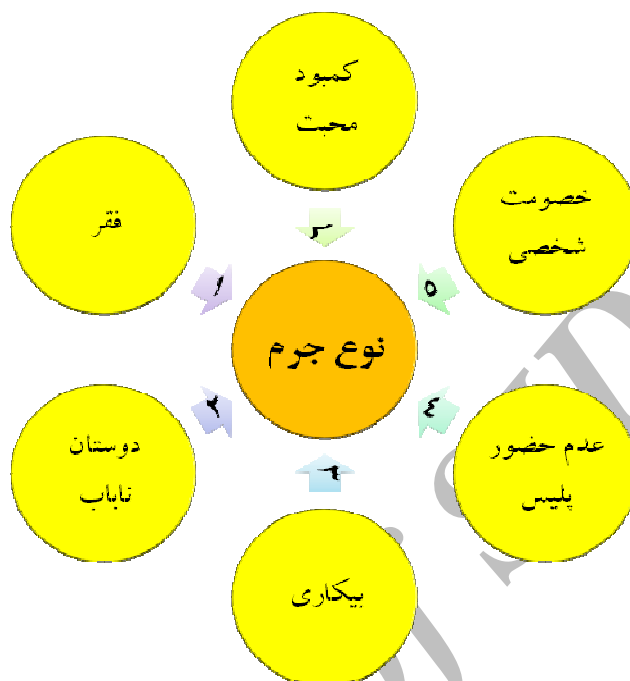
نامناسب اقتصادی در بین خانوارها می‌داند. به عبارت دیگر ضعف اقتصادی و عدم توان مالی را در ارتکاب جرم بسیار مؤثر می‌داند برخی از شاخص‌های اقتصادی مدنظر عبارت‌اند: درآمد خانوار، رشد ارزش افزوده، وضعیت مسکن و اجاره بها، هزینه دسترسی به خدمات و غیره؛

۴- عدالت قضایی و جنایی: در هر جامعه ای که عدالت قضایی و جنایی وجود داشته باشد و مجرمینی که مرتکب جرم شوند مورد بازخواست و مجازات قرار گیرند تکرار جرم آنها بسیار محدود می‌شود و سایر افراد عادی نیز از انجام جرم امتناع می‌ورزند. یکی از مسائلی که در برخی از جوامع وجود دارد عدم توجه به عدالت قضایی بین گروههای اجتماعی و همچنین بین زنان و مردان است که این قوانین بایستی برای تمامی گروههای اجتماعی و جنسیتی به صورت یکسان عمل کند در آن صورت می‌توان انتظار داشت در جامعه جرم و جنایت کمتری صورت گیرد.

چارچوب نظری تحقیق

پس از بیان مسئله پژوهش، پیشینه و مبانی نظری تحقیق به ارائه چارچوب نظری و مدل مفهومی پژوهش پرداخته شده است. به طوری که در مدل مندرج است، به نظر می‌رسد که عواملی مانند: کمبود محبت، فقر، دوستان ناباب، بیکاری، عدم حضور پلیس در محل وقوع جرم و خصومت شخصی تأثیر بسیار عمده‌ای بر ارتکاب جرم زنان شهر اصفهان داشته است و به عنوان عوامل جرم زای زنان محسوب می‌شوند.

مدل مزبور نشان می‌دهد که چه اطلاعاتی باید برای آزمون فرضیه‌ها جمع آوری شود. بعد از جمع آوری اطلاعات و طبقه بندی و تجزیه و تحلیل آنها مشخص خواهد شد که آیا آنچه در تئوری بیان گردیده است با دنیای واقعی منطبق است یا خیر.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

با توجه به موضوع پژوهش فرضیات آن به شرح زیر می باشند.

- ۱- بین فقر و نوع جرم مرتکب شده رابطه معناداری وجود دارد؛
- ۲- بین ارتباط با دوستان ناباب و نوع جرم مرتکب شده رابطه معنی داری وجود دارد؛
- ۳- بین بیکاری و نوع جرم مرتکب شده رابطه معنی داری وجود دارد؛
- ۴- بین عدم حضور پلیس در محل ارتکاب جرم و نوع جرم مرتکب شده رابطه معنی داری وجود دارد؛
- ۵- بین خصوصیت شخصی و انگیزه گرفتن انتقام و نوع جرم مرتکب شده رابطه معنی داری وجود دارد؛
- ۶- بین کمبود محبت و عدم توجه خانواده‌ها و نوع جرم مرتکب شده رابطه معنی داری وجود دارد.



روش شناسی

نوع تحقیق از نظر هدف کاربردی و روش مطالعه به صورت پیمایشی است، جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از روشهای آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

جامعه آماری شامل کلیه زنان زندانی بوده که در سال ۱۳۸۸ در زندان مرکزی شهر اصفهان حبس و مرتکب یکی از جرائم هفت گانه شده‌اند.

تعداد نمونه آماری، ۱۲۰ نفر از زنان مجرم شهر اصفهان می‌باشند که در زندان مرکزی شهر اصفهان در حبس به سر می‌برده‌اند. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه محقق ساخته جمع آوری شده‌اند.

ابزار اندازه گیری و اعتبار روایی و پایایی آنها

برای سنجش نظر زنان مجرم از طیف لیکرت (از ۵-۱) استفاده شده، اعتبار صوری ابزار سنجش توسط صاحب نظران گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان مورد تأیید قرار گرفته است.

برای اندازه گیری پایایی ابزار سنجش مربوط به متغیر وابسته (نوع جرم) و متغیرهای مستقل (عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم) از دو مقیاس زیر استفاده شده است.

الف) - مقیاس نوع جرم مرتکب شده؛

ب) - مقیاس عوامل مؤثر بر ارتکاب نوع جرم.

مقیاس نوع جرم مرتکب شده شامل هفت خرده مقیاس می‌باشد که عبارت‌اند از:

۱- قتل؛

۲- سرقت؛

۳- کلاهبرداری؛

۴- نزاع و درگیری؛

۵- قاچاق مواد مخدر؛

۶- رابطه نامشروع؛

۷- آدم ربایی.



برای هر یک از هفت خرده مقیاس یک سؤال در نظر گرفته شده است و این مقیاس پیش از اجرای نهایی بر روی ۲۰ نفر از مجرمین اجرا و پایای آن با استفاده از آزمون کرونباخ مورد تأیید می‌باشد (جدول شماره ۱).

جدول ۱. میزان پایایی خرده مقیاس‌ها و کل مقیاس نوع جرم

میزان آلفا	خرده مقیاس
۰/۸۷	قتل
۰/۷۶	سرقت
۰/۶۸	کلاهبرداری
۰/۷۶	نزاع و درگیری
۰/۸۹	قاچاق مواد مخدر
۰/۸۴	رابطه نامشروع
۰/۶۵	آدم ربایی
۰/۷۹.۹	کل مقیاس

با توجه به نتایج به دست آمده در (جدول شماره ۲) پایایی زیادی بین خرده مقیاس‌ها و مقیاس کلی نوع جرم مرتکب شده می‌باشد.

برای سنجش عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم به طور کلی شش متغیر در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از:

- ۱- فقر؛
- ۲- دوستان ناباب؛
- ۳- بیکاری؛
- ۴- عدم حضور پلیس؛
- ۵- خصومت شخصی؛
- ۶- کمبود محبت.

برای بررسی هر یک از این متغیرها قبل از اجرایی شدن بر روی ۲۰ نفر از مجرمین اجرا و پایایی آن با استفاده از آزمون کرونباخ مورد تأیید قرار گرفته است و نشان می‌دهد که پایایی زیادی بین متغیرها وجود دارد (جدول شماره ۲).

جدول ۲. میزان پایایی عوامل مؤثر بر ارتکاب نوع جرم

میزان آلفا	خرده مقیاس
۰/۸۶	فقر
۰/۷۳	دوستان ناباب
۰/۸۸	بیکاری
۰/۶۵	عدم حضور پلیس
۰/۷۹	خصوصیت شخصی
۰/۸۹	کمبود محبت
۰/۶۵	کل مقیاس

جدول ۳. نوع جرم مرتکب شده با توجه به سن مجرمین

نوع جرم سن	زناح و درگیری	کلاهبرداری	قاچاق مواد مخدر	سرقت	آدم ربایی	رابطه نامشروع	قتل	نوع جرم سن
۱۵-۲۵ ساله	۱	۲	۱۰	۹	۲	۴	۱۵	۴۳
۲۶-۳۵ ساله	۱	۲	۱۰	۱۳	۴	۷	۶	۴۳
۳۶-۴۵ ساله	۰	۰	۱۶	۳	۱	۲	۳	۲۵
۴۶- بالاتر	۱	۱	۵	۱	۰	۱	۰	۹
مجموع	۳	۵	۴۱	۲۶	۷	۱۴	۲۴	۱۲۰

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان

با توجه به آمارهای (جدول شماره ۳)، مجرمانی که در سنین ۱۵-۲۵ سال بوده‌اند، بیشترین نوع جرم آنها به ترتیب مربوط به قتل با ۱۵ فقره، قاچاق مواد مخدر ۱۰ فقره، سرقت با نه فقره و رابطه نامشروع با چهار فقره می‌باشد. کمترین نوع جرم در این سن مربوط به اخلال در نظم جامعه با یک فقره، کلاهبرداری و آدم ربایی هر کدام با دو فقره



جرم صورت گرفته می‌باشد. در محدوده سنی ۲۶-۳۵ ساله، بیشترین جرم صورت گرفته به ترتیب مربوط به سرقت با ۱۳ فقره، قاچاق مواد مخدر با ۱۰ فقره، رابطه نامشروع با هفت فقره، و قتل با شش فقره می‌باشد. کمترین جرم در این سن به ترتیب مربوط به اخلال در نظم جامعه با یک و کلاهبرداری با دو فقره است. بیشترین جرائمی که توسط مجرمین در محدوده سنی ۳۶-۴۵ ساله انجام گرفته، به ترتیب مربوط به قاچاق مواد مخدر با ۱۶ فقره، سرقت و قتل با سه فقره می‌باشد. در سنین ۴۶ و بالاتر از آن بیشترین جرم مربوط به قاچاق مواد مخدر با پنج فقره است. نکته قابل توجه این است که با بالا رفتن سن انگیزه‌های مالی در وقوع جرم بیشتر از سایر عوامل در ارتکاب جرم مجرمین مؤثر بوده است، همچنین قاچاق مواد مخدر با ۴۶ فقره و سرقت با ۲۶ فقره جرم بیشتر از سایر جرائم در بین زنان مجرم شهر اصفهان شایع است.

Archive of SID



یافته‌ها

الف) - ویژگی‌های آزمودنی‌ها

جدول ۴. آمار توصیفی ویژگی مجرمین زن شهر اصفهان

سن	فراوانی	درصد فراوانی	سواد	فراوانی	درصد فراوانی	وضعیت تأهل	فراوانی	درصد فراوانی
۱۵-۲۵ ساله	۴۳	۳۵/۸	بی سواد	۱۸	۱۵/۰	مجرد	۱۹	۱۵/۸
۲۶-۳۵ ساله	۴۳	۳۵/۸	ابتدایی	۲۹	۲۴/۲	متارکه (فوت همسر)	۲۰	۱۶/۷
۳۶-۴۵ ساله	۲۵	۲۰/۸	راهنمایی	۳۱	۲۵/۸	متارکه (طلاق از همسر)	۲۴	۲۰
۴۶-۵۵	۹	۶/۷	متوسطه	۱۴	۱۱/۷	متأهل	۵۷	۴۷/۵
۵۶ به بالا	۱	۰/۸	دیپلم	۲۴	۲۰	مجموع	۱۲۰	۱۰۰
مجموع	۱۲۰	۱۰۰	لیسانس و بالاتر	۴	۳/۳			
			مجموع	۱۲۰	۱۰۰			

وضعیت تأهل، سن و سواد مجرمین زن شهر اصفهان

سن

براساس نتایج حاصل از پژوهش (جدول شماره ۴)، از میان ۱۲۰ نمونه انتخاب شده از بین زنان مجرم در شهر اصفهان، بیشترین تعداد مجرمان به ترتیب مربوط به گروه های سنی ۱۵-۲۵ و ۲۶-۳۵ ساله هر کدام با (۴۳ فقره) که در مجموع ۷۱/۶ درصد از زنان مجرم را شامل و کمترین تعداد مجرمین مربوط به گروه سنی ۴۶ و بالاتر که ۶/۷ درصد را شامل شده‌اند.

تأهل

از نظر وضعیت تأهل، بیشترین تعداد مجرمین با ۴۷/۵ درصد متأهل بوده‌اند. ۲۰ درصد از آنها از همسر خود طلاق گرفته، ۱۶/۷ درصد از آنها همسر خود را بر اثر فوت از دست



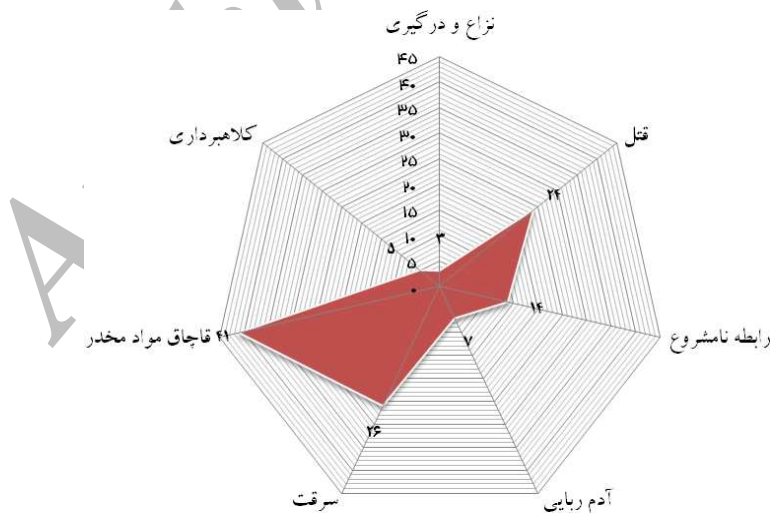
داده و ۱۵/۸ درصد از آنها مجرد بوده و در طول زندگی ازدواج رسمی نکرده‌اند. اگر تعداد زنانی که همسرانشان را بر اثر فوت و طلاق از دست داده‌اند با تعداد افرادی که هرگز ازدواج نکرده‌اند را با هم در نظر بگیریم در حدود ۵۲/۵ درصد از زنان مجرم به صورت مجرد زندگی می‌کرده‌اند.

سواد

از نظر سواد و سطح تحصیلات، بیشتر مجرمین به ترتیب دارای مدرک راهنمایی با ۲۵/۸ درصد، ابتدایی با ۲۴/۲ درصد، دیپلمه با ۲۰ درصد، متوسطه با ۱۱/۷ درصد و تعداد کمی از مجرمان دارای مدارک لیسانس و بالاتر از آن بوده‌اند، همچنین ۱۵ درصد از آنها بی‌سواد بوده‌اند.

نوع جرم مرتکب شده

با توجه به (جدول شماره ۴)، مشخص شده است که بیشتر جرائم انجام گرفته در بین نمونه آماری به ترتیب مربوط به قاچاق مواد مخدر (۴۱ فقره)، سرقت (۲۶ فقره)، قتل (۲۴ فقره)، رابطه نامشروع (۱۴ فقره) و کمترین تعداد جرم مرتکب شده در بین تعداد نمونه مدنظر مربوط به نزاع و درگیری (۳ فقره)، کلاهبرداری (۵ فقره) و آدم ربایی (۷ فقره) می‌باشد. در زیر به تشریح خصوصیت‌های فردی زنان مجرم در شهر اصفهان پرداخته می‌شود.



نمودار ۱. جرائم صورت گرفته توسط زنان مجرم در شهر اصفهان

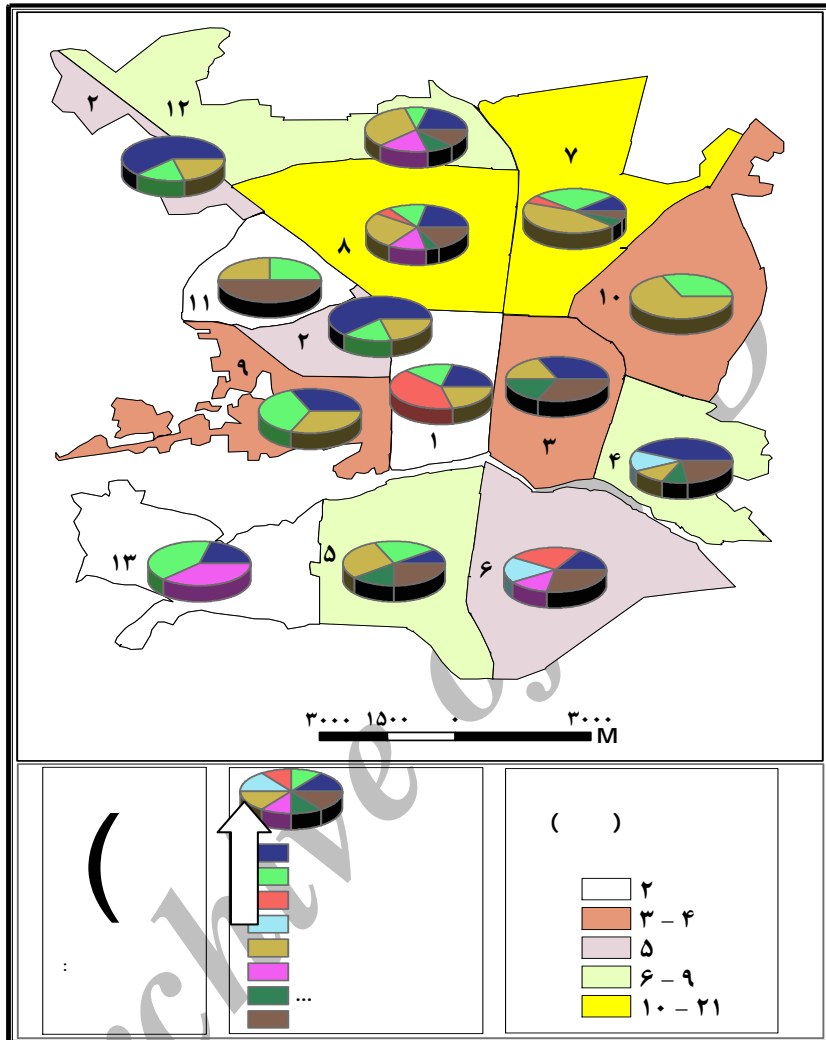


جدول ۵. پراکنش انواع جرائم در مناطق ۱۳ گانه شهر اصفهان

منطقه	نوع جرم	قتل	رابطه نامشروع	آدم ربایی	سرقت	قاچاق مواد مخدر	کلاهبرداری	نزاع و درگیری	جمع
۱	۱	۱	۰	۰	۴	۰	۱	۰	۶
۲	۲	۳	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۴
۳	۳	۲	۲	۱	۱	۱	۰	۰	۷
۴	۴	۳	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۷
۵	۵	۱	۲	۰	۲	۰	۰	۰	۵
۶	۶	۱	۱	۲	۰	۶	۲	۱	۱۳
۷	۷	۵	۳	۱	۹	۵	۱	۰	۲۴
۸	۸	۴	۱	۱	۲	۷	۰	۰	۱۵
۹	۹	۱	۰	۰	۲	۳	۰	۰	۶
۱۰	۱۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۲
۱۱	۱۱	۰	۱	۱	۲	۰	۰	۰	۴
۱۲	۱۲	۲	۱	۰	۰	۴	۰	۱	۸
۱۳	۱۳	۰	۱	۰	۲	۵	۱	۰	۹
خارج از محدوده شهر		۱	۰	۰	۰	۹	۰	۰	۱۰

توزیع فضایی جرائم زنان در مناطق ۱۳ گانه شهر اصفهان

براساس نقشه شماره ۱ و (جدول شماره ۵) که پراکنش انواع جرائم در مناطق ۱۳ گانه شهر اصفهان را نشان داده، مشخص شده است که بیشتر جرائم در منطقه شماره هفت و هشت و کمترین جرم مربوط به مناطق ۱۰ و ۱۱ می‌باشد. همچنین از نظر نوع جرم وقوع یافته بیشترین جرم قتل در منطقه هفت و هشت، رابطه نامشروع در منطقه هفت، آدم ربایی در منطقه شش، سرقت در منطقه هفت، قاچاق مواد مخدر در محدوده خارج از شهر و منطقه هشت، کلاهبرداری در منطقه شش، نزاع و درگیری در مناطق چهار، شش و ۱۱، وقوع یافته است.



نقشه ۱. توزیع فضایی جرائم زنان در مناطق شهر اصفهان



بررسی فرضیات تحقیق

رابطه بین فقر و نوع جرم مرتکب شده

جدول ۶. میزان تأثیر فقر بر نوع جرم از نظر مجرمین

نوع جرم	رتبه	سرد	کلاهبرداری	نزاع و درگیری	فحش نامشروع	رابطه نامشروع	آدم ربایی	نوع جرم
کم	۱۱/۷	۷/۵	۱/۷	۸	۵/۸	۸	۲/۵	۳۰/۸
متوسط	۱/۷	۷/۵	۱/۷	۸	۶/۷	۵/۸	۲/۵	۲۶/۷
زیاد	۶/۷	۸/۳	۸	۸	۲۱/۷	۳/۳	۸	۴۲/۵
جمع	۲۰	۲۳/۳	۴/۲	۲/۵	۳۴/۲	۱۰	۵/۸	۱۰۰
		$\chi^2 = ۳۶/۳$	$df = ۱۶$	$sig = ۰/۰۰۰$	$V = ۰/۵۱۰$			

یکی از عوامل تأثیرگذار در ارتکاب جرائم تنگدستی و فقر می باشد. نظریه پردازان فقر را به طور کلی به فقر فرهنگی و اقتصادی تقسیم بندی نموده اند و این دو نیز ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند، با توجه به مقدار خلی دو محاسبه شده (۳۶/۳) و درجه آزادی ۱۶ و سطح معناداری آن ($sig = ۰/۰۰۰$)، میزان ضریب همبستگی کرامر $V = ۰/۵۱۰$ ، می توان نتیجه گرفت که بین این دو متغیر همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد و نوع رابطه بین این دو متغیر به صورت معنی داری می باشد. پس فرض H_1 (بین فقر اقتصادی و نوع جرم مرتکب شده رابطه معنی داری وجود دارد) تأیید می شود.



رابطه بین ارتباط با دوستان ناباب و ارتکاب نوع جرم

جدول ۷. میزان تأثیر دوستان ناباب بر نوع جرم از نظر مجرمین

نوع جرم / میزان تأثیر	فرد	تزوج	کلاهداری	نزاع و درگیری	فحاشا مواد مخدر	رابطه نامشروع	آدم ربایی	نوع جرم
کم	۱۰	۱۲/۵	۱/۷	۸	۱۲/۵	۴/۲	۱/۷	۴۳/۳
متوسط	۳/۳	۸/۳	۱/۷	۱/۷	۱۲/۵	۵	۳/۳	۳۵/۸
زیاد	۶/۷	۲/۵	۸	۲/۵	۹/۲	۸	۸	۲۰/۸
جمع	۲۰	۲۳/۳	۴/۲	۲/۵	۳۴/۲	۱۰	۵/۸	۱۰۰
$\chi^2 = ۳۴/۳$ $df = ۱۶$ $sig = ۰/۰۷۹$ $V = ۰/۳۰۹$								

یکی از عواملی که تأثیر عمده‌ای بر وقوع جرم دارد، داشتن ارتباط با افراد ناسالم و دوستان ناباب می‌باشد، مسئله‌ای که وجود دارد این است که آیا دوستان ناباب نیز در نوع جرم مرتکب شده مؤثرند. با توجه به مقدار کای اسکوئر (۳۴/۳)، و سطح معنی‌داری آن (sig= ۰/۰۷۹)، و همچنین ضریب همبستگی کرامر (V= ۰/۳۰۹) که همبستگی بالای را نشان می‌دهد می‌توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر مزبور رابطه معنی‌داری وجود ندارد پس فرض H_1 (وجود رابطه بین دوستان ناباب و نوع جرم) مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. هر چند دوستان ناباب به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ارتکاب جرم محسوب می‌شود اما این پژوهش نشان می‌دهد که زنان مجرم چندان اعتقادی به تأثیر نقش دوستان ناباب در ارتکاب نوع جرم خود نداشته‌اند.



رابطه بین عدم اشتغال و نوع جرم مرتکب شده

جدول ۸. میزان تأثیر بیکاری بر نوع جرم از نظر مجرمین

نوع جرم	رقب	سرق	کلاهبرداری	نزاع و درگیری مخدر	قاچاق مواد مخدر	رابطه نامشروع	آدم ربایی	جمع
کم	۱۲/۵	۷/۲	۱/۷	۱	۹/۲	۳/۳	۳/۸	۴۱/۷
متوسط	۱/۷	۶/۷	۱/۷	۷	۳/۳	۴/۲	۱/۷	۱۹/۲
زیاد	۵/۸	۹/۵	۸.	۸.	۲۱/۷	۲/۵	۴	۳۹/۲
جمع	۲۰	۲۳/۳	۴/۲	۲/۵	۳۴/۱	۱۰	۵/۸	۱۰۰
$\chi^2 = ۳۱/۲$		df = ۱۲		sig = ۰/۰۰۰		V = ۰/۵۱۰		

با توجه به مقدار خی دو ($\chi^2 = ۳۱/۲$)، ضریب همبستگی کرامر ($V = ۰/۵۱۰$) و سطح معنی داری آن ($sig = ۰/۰۰۰$)، می توان نتیجه گرفت که بین بیکاری و نوع جرم همبستگی متوسط به بالا وجود دارد و نوع رابطه آنها به صورت معنی دار می باشد. پس فرض H_1 (بین اشتغال و نوع جرم رابطه وجود دارد) تأیید شده است، به عبارت دیگر بیشتر جرائمی که افراد بیکار انجام داده اند به خاطر این است که بتوانند مایحتاج روزانه خود را تأمین کنند همانند (سرق و قاچاق مواد مخدر) و بالعکس جرائمی که توسط مجرمین شاغل صورت گرفته کمتر انگیزه های مالی ناشی از بیکاری در آن دخالت داشته است و سایر عوامل در ارتکاب جرم آنها مؤثر بوده است.

رابطه بین عدم حضور پلیس در محل ارتکاب جرم و نوع جرم مرتکب شده

جدول ۹. میزان تأثیر نبود پلیس در محل ارتکاب جرم بر نوع جرم مرتکب شده از نظر مجرمین

نوع جرم	میزان تأثیر	رقت	رتبه	کلاهبرداری	نزاع و درگیری	فحشاء و مواد مخدر	رابطه نامشروع	آدم ربایی	نوع جرم
کم	۱۵	۲۰/۸	۲/۲	۱/۵	۳۰/۳	۷	۴/۵	۹۰	
متوسط	۸۰	۱/۷	۱/۱	۷	۸	۲	۸	۴/۲	
زیاد	۴/۲	۸۰	۸	۳	۳	۱	۵	۵/۸	
جمع	۲۰	۲۳/۳	۴/۲	۲/۵	۳۴/۲	۱۰	۵/۸	۱۰۰	
		$\chi^2 = 22/1$	df = 12	sig = 0/138			V = 0/304		

فضاهایی که پلیس حضور کمتر و نقش کم رنگ‌تری دارد امکان وقوع جرم در این فضاها بیشتر می‌باشد. در این پژوهش به بررسی تأثیر رابطه بین حضور پلیس در محل وقوع جرم و نوع جرم وقوع یافته توسط زنان شهر اصفهان پرداخته شده است، با توجه به میزان خی دو ($\chi^2 = 22/1$)، و سطح معناداری آن ($sig = 0/138$) و ضریب همبستگی کرامر ($V = 0/304$)، می‌توان نتیجه گرفت که بین حضور پلیس در محل ارتکاب جرم و نوع جرم مرتکب شده توسط زنان شهر اصفهان رابطه معنی‌داری وجود ندارد. به عبارت دیگر حضور و یا عدم حضور پلیس در ارتکاب نوع جرم آنها نمی‌توانسته تأثیرگذار باشد. پس فرض H_1 (بین عدم حضور پلیس در محل جرم و نوع جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد) مورد تأیید قرار نگرفته است.



رابطه بین خصومت شخصی و انگیزه گرفتن انتقام و نوع جرم مرتکب شده

جدول ۱۰. میزان تأثیر خصومت شخصی و انگیزه گرفتن انتقام بر نوع جرم از نظر مجرمین

نوع جرم	سرق	سرق	کلاهبرداری	نزاع و درگیری	فحاشا قاپاق مواد مخدر	رابطه نامشروع	آدم ربایی	جمع
کم	۱۱/۷	۲۱.۷	۱.۶	۵	۲۹/۲	۹/۲	۴	۸۰
متوسط	۲/۵	۸.	۹	۵	۳/۳	۰	۱	۷/۵
زیاد	۵/۸	۸.	۱/۷	۱/۵	۱/۷	۸.	۸	۱۱/۷
جمع	۲۰	۲۳/۳	۴/۲	۲/۵	۳۴/۲	۱۰	۵/۸	۱۰۰
		$\chi^2 = 21/2$	df= 12	sig= 0/03		V= 0/510		

یکی از عواملی که می‌تواند در ارتکاب جرم بسیار مؤثر باشد خصومت شخصی و انگیزه گرفتن انتقام می‌باشد، با توجه به مقدار خی دو ($\chi^2 = 21/2$) و سطح معنی‌داری آن (sig= 0/03) و ضریب همبستگی کرامر ($V = 0/510$)، می‌توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر خصومت شخصی و انگیزه گرفتن انتقام و نوع جرم همبستگی قوی وجود دارد و رابطه بین دو متغیر به صورت معنی‌دار می‌باشد. پس فرض H_1 تأیید شده است. خصومت شخصی و انگیزه گرفتن انتقام در برخی از جرائم همانند نزاع و درگیری و کلاهبرداری به نسبت سایر جرائم مؤثرتر بوده است.

رابطه بین کمبود محبت و عدم توجه خانواده ها و نوع جرم مرتکب شده

جدول ۱۱. میزان تأثیر کمبود محبت و عدم توجه خانواده ها بر نوع جرم از نظر مجرمین

نوع جرم	میزان تأثیر	رتبه	رتبه	کلاهبرداری	نزاع و درگیری	مخدر	قاچاق مواد	رابطه نامشروع	آدم ربایی	شماره
کم	۵/۸	۱۰/۸	۲/۳	۲/۲	۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۳۱/۷	
متوسط	۲/۵	۵	۲	۳	۷/۵	۱/۷	۱/۷	۱۸/۳		
زیاد	۱۱/۷	۷/۵	۱/۷	۰	۲۱/۷	۵/۸	۱/۷	۵۰		
جمع	۲۰	۲۳/۳	۴/۲	۲/۵	۳۴/۲	۱۰	۵/۸	۱۰۰		
		$\chi^2=20/6$	df=12	sig=0/01			V=0/510			

عدم توجه خانواده‌ها و کمبود محبت نیز یکی از عواملی است که می‌تواند در مجرم شدن فرد و ارتکاب جرم تأثیرگذار باشد. با توجه به مقدار خی دو ($\chi^2=20/6$) و سطح معنی‌داری آن ($sig=0/01$) و ضریب همبستگی کرامر ($V=0/510$)، می‌توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر مذکور رابطه معنی‌داری وجود دارد و شدت همبستگی متوسط به بالا می‌باشد. پس فرض H_1 (بین کمبود محبت و عدم توجه خانواده‌ها و نوع جرم رابطه وجود دارد) مورد تأیید می‌باشد. در بین مجرمین زن کسانی که مرتکب جرائمی مانند قتل، قاچاق مواد مخدر و رابطه نامشروع بوده‌اند بیشتر به نقش کمبود محبت و عدم توجه خانواده‌ها در ارتکاب نوع جرم خود اعتقاد داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر مجرمین در دامنه سنی ۱۵ تا ۳۶ سال بوده‌اند و نتایج آن با نتایج حاصل از مطالعه بر روی ۲۰۰ پرونده محکومیت کیفری که توسط خاکپور صورت گرفته همسان می‌باشد (خاکپور، ۱۳۵۲: ۱۱۳) و بین دو متغیر گروه سنی و نوع جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد. در سنین ۱۵-۲۵ سال بیشترین تعداد جرم مربوط به قتل می‌باشد و هر چه سن افراد بالاتر می‌رود انگیزه‌های مالی در وقوع جرم آنها از سایر

عوامل مؤثرتر می‌باشد. بنابراین با بالا رفتن سن تعداد جرائم سرقت و قاچاق مواد مخدر نسبت به سایر جرائم افزایش یافته است.

از نظر سواد، بیشتر مجرمین دارای مدرک تحصیلی راهنمایی و یا ابتدایی بوده‌اند، از نظر وضعیت تأهل ۵۲/۵ درصد از مجرمین شامل کسانی بوده‌اند که هرگز ازدواج نکرده و یا بر اثر طلاق و یا فوت همسر به صورت مجرد زندگی می‌کنند و ۴۷/۵ درصد از مجرمین متأهل بوده و با همسران خود زندگی می‌کرده‌اند و نتایج آن با نتیجه تحقیق خاکپور روی ۵۰ مورد مجرم زن صورت گرفته همسان می‌باشد (همان: ۱۲۴).

بررسی رابطه بین عوامل اجتماعی مؤثر بر ارتکاب جرم و نوع جرم نیز نشان می‌دهد که از بین شش متغیر مستقل مدنظر رابطه بین چهار متغیر از آنها که شامل (فقر، بیکاری، خصومت شخصی و گرفتن انتقام، کمبود محبت و عدم توجه خانواده‌ها) با متغیر نوع جرم مرتکب شده به صورت معنی‌دار می‌باشد و فرضیات آنها مورد تأیید می‌باشد و رابطه بین دو متغیر از آنها شامل (دوستان ناباب، و نبود پلیس در محل وقوع جرم) با متغیر نوع جرم مرتکب شده به صورت معنی‌دار نمی‌باشد پس فرضیه‌های آنها مورد تأیید نمی‌باشد.

ارائه راهکارها

طریق برخورد و ارائه راه حل در جهت کاهش جرم زنان در جوامع مختلف متنوع است، که هر جامعه‌ای با توجه به فرهنگ، دستگاه‌های سیاسی، امنیتی - انتظامی، مقتضیات زمان و غیره که دارد به برخورد و مقابله با جرائم زنان می‌پردازد، با توجه به نتایج تحقیق، برخی از راهکارهای که می‌تواند با توجه به فضای فکری و فرهنگی کشور ایران مفید واقع شوند عبارت‌اند از:

- ۱- مناسب سازی فضاهای آموزشی و تحصیلی در مقاطع راهنمایی و دبیرستان و هدایت و راهنمایی دختران به فعالیت‌های مثبت، با استفاده از ابزارهای آموزشی و پرورشی؛
- ۲- کاهش فقر در بین خانواده‌ها؛ با توجه به اینکه فقر و مخصوصاً فقر اقتصادی تأثیر بسیار زیادی بر وقوع جرم دارد بایستی با برنامه ریزی‌های مناسب فقر را کاهش داد. در این زمینه تلاش سیاست‌مداران و مدیران بایستی در جهت توسعه پایدار باشد تا از این طریق



گروههای مختلف به یک نسبت از امکانات و شرایط مالی برخوردار باشند. همچنین بایستی از طریق کشف استعدادهای نهفته زنان و سرمایه گذاری در تقویت آنها از جرم زنان جلوگیری شود و زمینه های لازم جهت مشارکت بیشتر آنها در فعالیتهای اجتماعی را فراهم گردد؛

۳- نتایج تحقیق نشان از رابطه معنی دار بین بیکاری و نوع جرم زنان می نماید، بنابراین نیاز به سرمایه گذاری و توجه بیشتر به اشتغال برای زنان و مخصوصاً برای جوانان و قشر تحصیل کرده می باشد؛

۴- با توجه به اینکه گرفتن انتقام و داشتن خصومت شخصی، نیز به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم زنان نیز محسوب می شود، و معمولاً این نوع از انگیزه جرم، باعث صدمه جانی و از جمله قتل در بین زنان مجرم شده است. لازم می باشد که از طریق آموزش حضوری و رسانه ای نسبت به کاهش کینه ورزی در بین زنان اقدام شود و همچنین نیاز می باشد که افراد آموزش داده شوند تا از طریق اقدام های قانونی پیگیر وضعیت حقوقی خود شوند و نه از طریق اقدام های خود سرانه و شخصی؛

۵- ایجاد محیطی فرهنگی در جهت حمایت از دختران و زنان در جهت حفظ عواطف و جلوگیری از تضعیف ویژگی های روحی و روانی آنها؛

۶- ابراز محبت خانواده ها به دختران و تلاش در جهت فراهم آوردن نیازهای عاطفی آنها.

۷- اطلاع رسانی، تبلیغ و آموزش خانواده ها جهت برقراری رابطه عاطفی با فرزندان (مخصوصاً فرزندان دختر) و آگاه کردن آنها از خطرهای احتمالی.

منابع فارسی

- اقتصادیان، محمدرضا. (۱۳۸۳). اقتصاد جرم و جنایت در ایران، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- بشری اولاد، عبدالهادی و دیگران. (۱۳۸۶). اختلال شخصیت در زنان زندانی شهرهای تهران و کرج، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم شماره ۱۲.

- بینانلو، یوسف و منصوریان، محمد کریم. (۱۳۸۵). رابطه تراکم جمعیت با میزان و نوع جرم، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
- خاکپور، محمدمهدی، (۱۳۵۲)، جرم شناسی زنان ناسازگار. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعاتی عطایی.
- السان، مصطفی. (۱۳۸۵). جرم شناسی خشونت جنسی علیه زنان، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۱.
- ضرابی، اصغر و شاهپوندی، احمد. (۱۳۸۹). تحلیلی بر پراکندگی شاخص‌های توسعه اقتصادی در استان‌های ایران، مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، شماره ۳۸.
- علیخواه، فردین و نجیبی ربیعی، مریم. (۱۳۸۵). زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
- فرهمند، مریم. (۱۳۸۷). دختران و کاربرد اینترنت، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- کلانتری، خلیل. (۱۳۸۷). پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی با استفاده از نرم افزار SPSS، انتشارات فرهنگ صبا.
- کلانتری، محسن و صفری، اسماعیل. (۱۳۸۷). کاربرد فناوری‌های نوین در امور پلیسی (مورد مطالعه: نقشه نگاری بزه کاری)، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، نشریه پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، سال سوم شماره ششم.
- کلدی، علیرضا. (۱۳۸۳). انحرافات، جرم و پیشگیری، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۲، شماره ۳.
- لفت ویچ، آدریان. (۱۳۸۵). پیرامون اهمیت سیاست در توسعه دولت‌های توسعه گرا، ترجمه جواد افشارکهن، مشهد: انتشارات مرنديز نی نگار.
- مساواتی آذر، مجید. (۱۳۷۴). آسیب شناسی اجتماعی ایران (جامعه شناسی انحرافات)، تبریز: انتشارات نوبل.
- نجاری، فارس. (۱۳۸۶). بررسی اعتیاد در زنان معتاد مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد تهران در سال ۱۵-۱۴، مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، دوره بیست و پنجم.
- نوربها، رضا. (۱۳۸۰). زمینه جرم شناسی، تهران: انتشارات گنج دانش.



منابع لاتین

- Clark, r.v.(1997). *Situational Crime Prevention: Successful Case Studies*, Guilderland, NY: Harrow and Heston Publishers.
- Brogden, mike.(1997). *British Society of Criminology*, The British Criminology Conferences: selected proceedings, volum2.
- Doherty, T.A.(2009). *Closing Remarks Colloquium on violence as an International Crime Special Court for Sierra Leone*.
- Easteal, weiser.(1991). *Womaen and Crime Premenstrual Issues*, Australian Institute of Criminology.
- Edwards, Robyn.(2002). *Violence Against Women and Crime Prevention*, University of Sydney, Australia.
- Ford, R.(1998). *The razors edge*, *The Boston Globe Magazine*.
- Robertson, G. & Johnson, M.(2001). *Connecting Environmental Cues to Commercial Burglar Conventions Combining Theory and Practice into a Blended Approach*, International Seminar on Environmental Criminology and Crime Analysis Monday, 18 June.
- meier, Steffens , et al, 2006, Gender Gap Trends for Violent Crimes, 1980 to 2003: A Ucr- Ncvs comparsion.

Archive of SID